

## باسمه تعالی

**مقدمه واجب**..... ۱**ثمرات اصل مساله**..... ۱

۱..... ترتب ثبوت و عدم ثبوت حرمت مقدمه محرمه بر بحث مقدمه واجب

۲..... اشکال استاد: بقاء حرمت مقدمه محرمه بنا بر وجوب مطلق مقدمه

۲..... عدم اجتماع وجوب حرمت در مقدمه منحصره از منظر مرحوم خوئی

۳..... اجتماع وجوب و حرمت در مقدمه غیر منحصره از منظر مرحوم خوئی

۳..... اشکال استاد: عدم اجتماع وجوب و حرمت در مقدمه غیر منحصره

۳..... واضح بودن ثمره مقدمه واجب در موارد عدم احراز اهمیت ذی المقدمه

۴..... خلاصه بحث

۵..... اجتماع حرمت غیری و وجوب نفسی

۵..... اشکال استاد: عدم اجتماع حرمت غیری و وجوب نفسی

**موضوع: بررسی ثمره آخر / ثمرات اصل مساله / مقدمه واجب****خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در مورد ثمرات اصل مساله مقدمه واجب است. در جلسه قبل به بررسی ثمره‌ای که مرحوم بهبهانی فرموده بود، پرداخته شد. ثمره این بود: اگر قائل به وجوب مقدمه بشویم، اجتماع وجوب و حرمت لازم می‌آید و داخل در باب اجتماع امر و نهی است. در این جلسه به بررسی بیشتر این ثمره پرداخته می‌شود.

**مقدمه واجب****ثمرات اصل مساله****ترتب ثبوت و عدم ثبوت حرمت مقدمه محرمه بر بحث مقدمه واجب**

ثمره مهمی که در این مساله مترتب است، در مورد مقدمه محرمه است. مرحوم خوئی در ثمره بین مطلق مقدمه و مقدمه موصله فرموده است: نسبت به مقدمه محرمه‌ای که ذی المقدمه آن اهم است، (مثل انقاز غریق که مقدمه آن تصرف در ملک غیر است) در فرضی که این تصرف را انجام دهد و انقاز هم محقق بشود، این مقدمه حرمت ندارد. ثمره در جایی است که انقاز محقق

نشود. بنا بر این که مقدمه واجب، واجب نباشد، این عمل بر حرمتش باقی است و همچنین حرمت مقدمه باقی است، اگر مقدمه موصله را واجب بدانیم؛ زیرا مقدمه غیر موصله بوده است و حرمت بر حال خودش باقی است. اما اگر مطلق مقدمه را واجب بدانیم، همان طوری که وجوب نفسی ذی المقدمه<sup>۱</sup> اهم، تقدم بر حرمت مقدمه است، همچنین وجوب غیری که ناشی از ذی المقدمه اهم است، مقدم بر حرمت مقدمه است. پس حرمت تصرفی که انجام شده است، ساقط است.

### اشکال استاد: بقاء حرمت مقدمه محرمه بنا بر وجوب مطلق مقدمه

به نظر ما، بنا بر وجوب مطلق مقدمه هم حرمت مقدمه محرمه، باقی است؛ زیرا ممکن است کسی ادعا کند (همان طوری که ما به آن معتقد شدیم)، هر چند که قائل به وجوب مطلق مقدمه شده‌ایم؛ ولی وقتی که مقدمه موصله نشود، ممکن است بگوییم ملاک وجوب مقدمه، مانع دارد؛ یعنی مفسده عمل، مانع از تاثیر ملاک وجوب مقدمه شده است.

این مطلبی است که ما ادعا کردیم؛ اما همه این مطلب را قبول نکردند و بعضی مانند مرحوم آخوند قائلند که مقدمه حرام بنا بر وجوب مطلق مقدمه، اگر ذی المقدمه اش اهم باشد، حرمتش ساقط می‌شود. پس ثمره بنا بر بعضی از مبانی مترتب است و همین مقدار نیز کافی است که بحث از مقدمه واجب بشود.

### عدم اجتماع وجوب حرمت در مقدمه منحصره از منظر مرحوم خوئی

مطلب دیگری که وجود دارد این است که در جلسه قبل از اجتماع وجوب و حرمت بحث کردیم و گفتیم بنا بر وجوب مطلق مقدمه، در مقدمه محرمه، اجتماع وجوب و حرمت لازم می‌آید که این باب احکامی دارد. مشکلی که در اجتماع حرمت و وجوب وجود داشت، عبارت بود از این که وقتی اجتماع رخ می‌دهد که مقدمه محرمه حرام باشد، در حالی که مثل مرحوم خوئی در مقدمه منحصره قائل به عدم اجتماع وجوب و حرمت است؛ زیرا بدون ترتب که حرمت هست و واجب نیست و اگر بخواهیم ترتب را مطرح کنیم، تصویر آن معقول نیست.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> مقرر: وجه عدم معقولیت این بود که امر به انفاذ متوقف بر اتیان به انفاذ است.

## اجتماع وجوب و حرمت در مقدمه غیر منحصره از منظر مرحوم خوئی

مرحوم خوئی اجتماع وجوب و حرمت را در مقدمه غیر منحصره پذیرفته است؛ زیرا وجوب مقدمه، شامل مقدمه حرام نیز می‌شود و اجتماع وجوب و حرمت در مقدمه محرمه رخ می‌دهد و اگر شخصی مقدمه حرام را انجام داد، بنا بر وجوب مطلق مقدمه، حرمت ساقط است.<sup>۱</sup>

## اشکال استاد: عدم اجتماع وجوب و حرمت در مقدمه غیر منحصره

به نظر ما حق با مرحوم آخوند است و اگر مقدمه منحصره نباشد، مقدمه حرام، طرف ایجاب نیست و اجتماعی رخ نمی‌دهد. لبّ اجتماع این است محبوبیت با مبعوضیت اجتماع پیدا کند که در مقدمه منحصره چنین اجتماعی وجود دارد و در مقدمه غیر منحصره چنین اجتماعی وجود ندارد.

پس مرحوم خوئی نسبت به مقدمه منحصره نیز می‌تواند بگوید که اجتماع هست؛ ولی اجتماع مبعوضیت و محبوبیت وجود دارد. نظیر توسط در ارض مغصوبه که حرام نیست؛ ولی مبعوض هست.

همه این مباحث در جایی است که اهم بودن ذی المقدمه احراز شده است.

## واضح بودن ثمره مقدمه واجب در موارد عدم احراز اهمیت ذی المقدمه

عمده ثمره بحث در جایی است که اهم بودن ذی المقدمه احراز نشود. بیان مطلب این است: ذی المقدمه‌ای وجود دارد، مانند انقاز مال الغیر که مقدمه آن حرام است و اهمیت انقاز نسبت به تصرف در مال غیر احراز نشده است؛ پس انقاز واجب و تصرف در مال غیر حرام است. دو تکلیف داریم و اهمیت هیچ کدام محرز نیست. بنا بر این که مقدمه واجب، واجب نباشد، در این جا (بین انقاز غریق و تصرف در مال غیر) تراحم وجود دارد و در صورت عدم احراز، عقل حکم به تخییر می‌کند؛ اما بنا بر وجوب مقدمه گفته می‌شود: از امر به انقاز، یک امر غیری به تصرف در مال غیر ترشح می‌کند و اجتماع وجوب و حرمت در تصرف در مال غیر لازم می‌آید. در این صورت نیاز به ترتب و غیر آن نداریم. نسبت به امر غیری و حرمت نفسی، تعارض لازم می‌آید.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> مقرر: البته در صورتی که ذی المقدمه را اتیان نکند.

<sup>۲</sup> مقرر: اگر قائل به وجوب مطلق مقدمه بشویم، نسبت به تصرف در مال غیر و انقاز غریق تراحم وجود دارد و در عین حال نسبت به مقدمه انقاز و تصرف در مال غیر، تعارض وجود دارد.

مرحوم خوبی تعبیر به تعارض کرده است؛ اما در حقیقت نسبت به اجتماع، موارد مختلفی وجود دارد. بعضی اوقات تعارض است (بنا بر بعضی مسالک) و بعضی اوقات تعارضی در کار نیست (بنا بر بعضی از مسالک). باید کیفیت خطاب ملاحظه شود. اگر دو متعلق وجود داشته باشد از باب تراحم است و اگر یک متعلق وجود داشته باشد، از باب تعارض است. بنا بر انکار ملازمه (بین وجوب ذی المقدمه و وجوب مقدمه) تراحم وجود دارد؛ اما بنا بر وجوب مقدمه، تعارض وجود دارد که اگر اهمیت ذی المقدمه احراز شده باشد، تعارض حل می شود و اگر احراز نشود، اجتماع وجوب و حرمت است (تعبیر به تعارض نمی کنیم) ممکن است داخل در باب تراحم باشد و ممکن است داخل در باب تعارض باشد و احکام هر کدام جاری می شود. اگر از باب تعارض باشد و مرجحی نداشته باشند و تساقط کنند، سراغ اصل عملی می رویم و طبق وجوب مطلق المقدمه برائت از حرمت جاری می شود.

بالاخره اجتماع رخ می دهد، حال یا مقدمه خطاب مستقلاً دارد و با حکم دیگر اجتماع پیدا می کند و یا مقدمه خطاب مستقل ندارد و از خطاب ذی المقدمه به مقدمه خطاب ترشح می کند، در این صورت نیز اجتماع رخ می دهد. گاهی اوقات اساساً خطابی وجود ندارد و صرفاً اراده به مقدمه وجود دارد، در این صورت نیز اجتماع با حکم دیگر رخ می دهد و اجتماع بین دو اراده (مبغوضیت و محبوبیت) وجود دارد.

مرحوم سید محمد باقر صدر این مطالب را قبول دارد و قائل است که به خاطر دلالت التزامی امر به ذی المقدمه، مقدمه نیز امر دارد. در این صورت تعارض با حرمت نفسی دارد.

ان قلت: بر فرض که قائل به وجوب مقدمه باشیم، اجتماعی رخ نمی دهد؛ زیرا وجوب مقدمه غیری است و با حرمت نفسی جمع نمی شود.

قلت: این ادعا درست نیست؛ زیرا نمی شود که مولا هم به یک چیزی محبوبیت (هر چند غیری) و نهی نسبت به آن نیز داشته باشد.

### خلاصه بحث

ما ادعای مرحوم خوبی که فرمود ثمره مهمی است، تصدیق می کنیم و می گوییم بنا بر عدم ملازمه فقط تراحم است و اما بنا بر وجوب مقدمه در ناحیه مقدمه محرمه تنافی وجود دارد و اجتماع وجوب و حرمت است که گاهی اوقات داخل در باب اجتماع امر و نهی است و گاهی اوقات داخل در باب تعارض است.

## اجتماع حرمت غیری و وجوب نفسی

مرحوم سید محمد باقر صدر فرموده است: همان طوری که مقدمه واجب بنا بر وجوب مقدمه، واجب است، مقدمه حرام در جایی که علت تامه حرام باشد، حرام است. اگر واجب اهم علت تامه حرام بود، مثلاً انقاز غریق زنی، علت تامه اسقاط جنین است (جنینی که هنوز روح در آن دمیده نشده است، تا اهمیت واجب احراز شود). اسقاط جنین حرام است و و انقاز زن واجب اهم است. وقتی که اسقاط جنین حرام شد، علت تامه آن نیز حرام است. در این معنای ملازمه همین مطلب است: وقتی که اسقاط جنین حرام شد، علت تامه آن نیز حرام است. حال، اگر منکر ملازمه شدیم، داخل در باب تراحم است؛ زیرا انقاز و اسقاط دو متعلق هستند که قدرت بر امتثال هر دو وجود ندارد. حال که انقاز اهم است، مقدم می شود؛ اما اگر ملازمه وجود داشته باشد؛ یعنی اسقاط حرام است پس انقاز حرام است، اجتماع وجوب و حرمت لازم می آید. (وجوب نفسی و حرمت غیری)

## اشکال استاد: عدم اجتماع حرمت غیری و وجوب نفسی

ما مطلب ایشان را نفهمیدیم. ایشان فرض کرده است که ذی المقدمه اهم است و حکم مهم، فعلی نیست، تا از حرمت او به دیگری حرمت سرایت کند؛ یعنی بعد از این که انقاز اهم شد و حکمش فعلی است، پس حرمت اسقاط جنین ساقط می شود. پس حرامی نداریم که به انقاز سرایت کند. ادامه بحث در جلسه آینده.